

آن شاهد ژوپینسکی



• علیرضا دولتشاهی

- سقوط اصفهان به روایت کروشینسکی
- بازنویسی: سیدجواد طباطبائی
- ناشر: نگاه معاصر، تهران، ۱۳۸۲
- شابک: ۰۷-۷۷۶۳-۹۶۴

را می‌دانسته و با زبان‌های روسی و فرانسوی نیز آشنا بوده است. این کشیش - پزشک ژوپینسکی، که گاه حتی نامی از وی در میان نیست و تنها از وی با عنوان یک سیاح مسیحی یاد می‌شود، در ایران به نام‌های گوناگونی نامدار است.

مریم میراحمدی^۳، از وی به نام تادیوز کروشینسکی؛ ولی الله‌شادان^۴ نام وی را یودا کروزینسکی؛ اسماعیل دولتشاهی^۵ و مصطفی قلی‌عما德^۶ این نام را تادیوز کروشینسکی؛ محمد اسماعیل رضوانی^۷ از او به نام یهودا کروشینسکی؛ مهراب امیری^۸ وی را جوداز کروشینسکی؛ یدالله قائدی^۹ نام وی را تادئو یودا کروشینسکی و در نهایت نگین صالحی‌نیا^{۱۰}، این نام را کروشینسکی گزارش کرده است. گفتن ندارد که تمام این خوانش‌ها نادرست است. در منابع فارسی، نه تنها خوانش این نام درست نیست، که اطلاعات مربوط به وی نیز گاه نادرست است.

یان کروشینسکی که در ایران، نام تادیوز را بر خود نهاد - زیرا در اسناد رسمی از سال ۱۷۳۲ میلادی نام وی تادیوز ثبت شده است - متولد پانزده مه ۱۶۷۵ است. در دوازده اکتبر ۱۶۹۱ به طور رسمی به فرقه ژوپینسکی درآمد. آموزش مذهبی را در ۱۶۹۴ به پایان رسانید. در اوایل قرن ۱۸ به همراه یان ریت - نماینده مبلغان ژوپینسکی در ایران - راهی این دیار گشت. بهار ۱۷۰۵ به مسکو وارد شد. در دوازده ژوئن سال بعد به استرخان رسید و چند ماه بعد فعالیت خود را در دارالتبیغ گنجه آغاز کرد. کروشینسکی در سال ۱۷۱۲ برای آن که پادشاه لهستان را با فکر اعزام سیاستمدارانی بلندپایه‌تر به دربار صفوی، همراه سازد به لهستان بازگشت.

در اکتبر ۱۷۲۰ او که زبان فارسی را به نیکی آموخته بود، به سمت دادستان اسقف اصفهان در دربار ایران منصوب گشت. در تاریخ یازده ژوئیه ۱۷۲۱ برای نخستین بار با پادشاه صفوی دیدار کرد. در این دیدار توانست امیازاتی برای مبلغان کاتولیک حاصل کند. او در طول اقامتش در ایران که افزون بر دو دهه بود، یادداشت‌ها و مدارکی برای انتشار فراهم آورده بود که بخش بزرگی از آن‌ها توسط سربازان محمود‌افغان به تاراج رفت. داشت پرشکی او، وی را با دربار محمود مرتب‌ساخت و برای وی جایگاهی فراهم آورد. در سال ۱۷۲۵ توانست به همراه هیات سیاسی اشرف افغان، به خاک عثمانی سفر کند. او به همراه هیات سیاسی در ۱۸ ژانویه ۱۷۲۶ به استانبول وارد شد. مذکورات نمایندگان اشرف، با عثمانیان به نتیجه نرسید و جنگ آغاز گشت. کروشینسکی که در مذکورات نقشی نداشت، به علت بیماری و مسدودگشتن راه ایران - به علت جنگ - در عثمانی ماندگار شد. او در شهراسکوتاری اقامت گزید و به عنوان کشیش مخصوص شاهزاده فرانسیس دوم راکوشی در روستو به فعالیت پرداخت. در همین شهراست که وی نگارش خاطرات خود را به پایان می‌برد. گفته می‌شود این خاطرات به دستور شاهزاده فرانسیس، توسط منشی وی به نام بشون به زبان فرانسوی ترجمه شد. ابواهیم پاشا که در فکر ایجاد و برپایی مدرسه‌ای بود از کروشینسکی چهت تدریس دعوت کرد، ولی اونبزیرفت و در سال ۱۷۲۸ به لهستان بازگشت. سرانجام در ۲۲ اکتوبر سال ۱۷۵۷ در شهری در جنوب شرقی لهستان درگذشت. گروهی بر این باورند که وی در سال ۱۷۴۰ سفر دیگری به ایران انجام داد. اما هیچ‌یک از منابع موجود این باور را تایید نمی‌کند.^{۱۱}

اما دانستیم که از خاطرات کروشینسکی دو تحریر و یا دو روایت وجود دارد:

(الف) در سال ۱۷۲۹ به دستور ابراهیم پاشا خاطرات

گزارش کروشینسکی از سقوط اصفهان به روایت سیدجواد طباطبائی، جدیدترین انتشار این گزارش در ایران است که در سال ۱۳۸۲ به بازار کتاب راه یافته. این کتاب بازنویسی روایت راهبی است لهستانی، از واپسین روزهای حکومت شاه سلطان حسین و زمامداری جانشینان افغان

وی: محمود و اشرف.

از گزارش کروشینسکی دو روایت یا دو تحریر وجود دارد. یکی تحریری که خود وی به زبان لاتین انجام داده است.^{۱۲} روایت دوم، تحریری است که ژان آنتونیو دو سرسو (۱۶۷۰-۱۷۳۰) به دستور پدرفلور یودامونویل، سرپرست مبلغان ژوپینسکی در شرق، براساس دستنوشته کروشینسکی و افزون اطلاعات دیگر که به طور عمله برآمده از روزنامه‌های آن دوران بود، انجام داده و به گزارش کروشینسکی جامعیت بیشتری بخشیده است. این روایت اخیر در سال ۱۷۲۸ میلادی انتشار یافت. روایتی که طباطبائی در بازنویسی خود به کار برده‌هاین روایت دو سرسو است.

از بین تمام لهستانیانی که در عصر صفویه به ایران آمدند، در ایران زیستند، درباره ایران قلم زند و در خاک ایران خفتند؛ تادیوز یان کروشینسکی^{۱۳} بی‌شك پرآوازه‌ترین آنان است. از استاد شخصی او چنین برمی‌آید که زبان‌های لهستانی، لاتین، ترکی، ارمنی ادبی و ایتالیایی

مادری خود بخوانند. این یگانه اثر کروشینسکی درباره ایران نیست. ما مراوزه دست کدو اثر دیگر از او به زبان لاتین درباره ایران می‌شناسیم: (ایلچی‌گری‌های ایران - لهستان) یا

۱- تاریخ غم‌انگیز انقلاب ایران ۱۷۱۱ - ۱۷۲۸، بی‌جا، بی‌تا.
او حتی کتابی نیز درباره روش صحیح درست کردن قهوه عربی (ترکی) تحریر کرده است.
خطاطات کروشینسکی، در غرب به عنوان الگو و سرمشق به کاررفت و دیگران در نگارش رسائل خود از روش او استفاده کردند. به عنوان نمونه می‌توان از دو کتاب زیر نام برد:
کتاب ۹۶۱۲۹ بهvolutionis History چاپ سال ۱۷۳۰
کتاب دیگر ۹۶۱۲۹ بهvolutionis in History چاپ سال ۱۷۵۳، از U.A. Romualdi.

پی‌نوشت‌ها:

1-Relationes de mutationibus memorabilibus regni persakum, Roma 1727

- ۲- تلفظ صحیح این نام در زبان لهستانی چنین است.
- ۳- دنبیلی، عبدالرزاقي: سفرنامه کروشینسکی، مریم میراحمدی، تهران، توس. ۱۳۶۳
- ۴- دوسوسر، آنتوان؛ علل سقوط شاه سلطان حسین، ولی‌الله‌شادان، تهران، کتابسرای.
- ۵- لکهارت، لارنس؛ انفراض صفویه، اسماعیل دولتشاهی، تهران، بنگاه نشر و ترجمه کتاب، ۱۳۴۴
- ۶- لکهارت، لارنس؛ انفراض سلسه صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران، مصطفی قلی‌عمراد، تهران. (بی‌نا)، ۱۳۴۳
- ۷- دنبیلی، عبدالرزاقي؛ رساله سیاح مسیحی فرنگی، محمد اسماعیل رضوانی، در بررسی‌های تاریخی، س، ۸، ش ۴
- ۸- امیری، مهراب؛ ده سفرنامه یا سیری در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی راجع به ایران، تهران، وحید. ۱۳۶۹
- ۹- دنبیلی، عبدالرزاقي؛ بصیرت نامه، مصحح یبدالله قائدی، تهران، آناهیتا. ۱۳۶۹
- ۱۰- توزر، آن ماری؛ تصویری از ایران. نگین صالحی‌نیا. در کتاب ماه تاریخ و چغافل، ش ۶۹ - ۶۸، ص ۳۱.

- ۱۱- برای آگاهی بیشتر در مورد شرح حال کروشینسکی به منابع زیر در زبان لهستانی نگاه کنید:
 - A) Załecki, Stanisław. misje w XVII wpod patronatem polskim , Krakow, 1882
 - B) zielinski, F. Ksiądz Krusiński. Wiadomości historyczne w bibliotece Warszawskiej, 4v, 1841
- ۱۲- ابراهیم متفرقه، نو مسلمانی مجار بود. او اولین چاپخانه را در قسطنطینیه ایجاد کرد.
- ۱۳- صنیع‌الدوله؛ منتظم ناصری، ج ۲، تهران، ۱۳۹۹. صص ۲۴۰ - ۲۷۱

کروشینسکی توسط ابراهیم متفرقه ^{۱۲} به زبان ترکی ترجمه شد و در استانبول با نام ترجموت تاریخ سیاح نشر یافت. در سال ۱۷۳۱ شرق‌شناس شهر آلمانی، یوهان کریستیان کلودیوس، بی‌آنکه بداند زبان اصلی ترجمه کرد و در شهر لاپیزیک با عنوان Orthotomicorum Descriptionis ed ۱۷۲۸ متن‌شیر کرد. در سال ۱۸۴۰ ژ.ن. میتفورد این اثر را به زبان انگلیسی ترجمه کرد. (ب) تحریر دو سرسو، که بر پایه ترجمه بشون از دست‌نویس خاطرات کروشینسکی بنیاد گرفته، در سال ۱۷۲۸ (یک سال زودتر از ترجموت تاریخ سیاح) در لاهه به زبان فرانسوی، در جلد منتشر شد. در همان سال ترجمه فرانسوی آن در پاریس نشر یافت. سال بعد (۱۷۴۹)، ترجمه انگلیسی آن انتشار یافت. در سال ۱۷۴۱، منتظر فرانسوی کتاب تجدید چاپ شد و در همان سال نیز ترجمه اسپانیایی آن منتشر گشت.

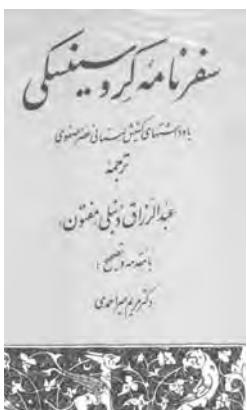
اما، این دو روایت چگونه به ایران راه یافت و ترجمه شد:
(الف) ایرانیان نخستین بار از طریق ترجمه ترکی خطاطات کروشینسکی با آن اثر آشنا شدند. این ترجمه به فرمان عباس میرزا نایاب‌السلطنه، به دست عبدالرزاقي مفتون دنبیلی با عنوان بصیرت نامه به فارسی برگردانده شد. از این ترجمه امروز نسخ خطی چندی در دست است. قدیمی‌ترین نسخه خطی که نگارنده از این ترجمه در ایران یافته تاریخ ۱۲۶۸ هجری قمری را دارد. بر طبق فهرست مشارک، این کتاب در سال ۱۲۹۹ هجری قمری به شیوه چاپ سنگی با همان عنوان بصیرت نامه به طبع رسید. صنیع‌الدوله نیز بخش‌هایی از این ترجمه فارسی را در جلد دوم کتاب منتظم ناصری ^{۱۳} آورد. ترجمه‌دنبلی و چاپ سنگی آن، اساس و پایه و تمام چاپ‌های سربی بعدی این اثر است.

(ب) طباطبایی در مقدمه روایت خود چنین می‌نویسد: به رغم اهمیتی که تاریخ واپسین انقلاب ایران نوشته آنتوان دو سرسو برای فهم علل و اسباب سقوط شاهنشاهی صفویان و این دوره از تاریخ ایران دارد، این کتاب تا کنون به فارسی ترجمه نشده است. (اص ۱۱) اما برخلاف نظر ایشان باید گفت در زبان فارسی ترجمه‌ای از این کتاب وجود دارد. روایت دوسر سو، نزدیک دو دهه پیشتر (سال ۱۳۶۴) به همت ولی‌الله شادان با نام علل سقوط شاه سلطان حسین در تهران منتشر شد و ترجمه‌ای کامل از دو جلد روایت دو سرسو است. اما شاید تغییر نام کتاب توسط مترجم، طباطبایی را از این آگاهی محروم کرده است. از این رو اندیشه ترجمه این اثر را در وی پدید آورده: از آنجا که ترجمه دو مجلد تاریخ واپسین انقلاب ایران ممکن نبود بازنویسی کوتاه شده‌ای از آن را که همه نکته‌های مهم تاریخی و نیز تحلیل‌های دو راهب یسوعی را شامل می‌شود به صورت رساله‌ای کوتاه در دسترس خوانندگان قرار می‌دهیم.»

(اص ۱۱)

شادان، در مورد تغییر نام کتاب در مورد خود آورده است: در انتخاب‌نام کتاب از عنوان اصلی آن چشم‌پوشی شد. چون نام تاریخ آخرین شورش ایران آن هم پس از دویست و شصت سال خالی از معنا است. به ویژه که با این نام دو کتاب دیگر به زبان فرانسه، یکی در سال ۱۸۱۰ به قلم شار پیکو و دیگری در تاریخ ۱۹۱۰ به نام تاریخ انقلابات ایران به قلم ویکتور بوار (ترجمه فارسی کتاب اخیر توسط انتشارات دانشگاه‌تهران به چاپ رسیده است) منتشر شده است. پس برای جلوگیری از ابهام و برای رسایی عنوان نام آن به علل سقوط پادشاهی شاه سلطان حسین و استیلای افغانان تبدیل یافت. (اص ۱۶)

نکته جالب درباره کتاب این است که هنوز ترجمه‌ای از آن به زبان لهستانی وجود ندارد و لهستانی زبانان نمی‌توانند این اثر را به زبان



از بین تمام لهستانیانی که در عصر صفویه به ایران آمدند، در ایران زیستند، درباره ایران قلم زندن و در خاک ایران خفته‌ند؛ «تا دیوش یان کروشینسکی» بی‌شک پرآوازه‌ترین آن است